

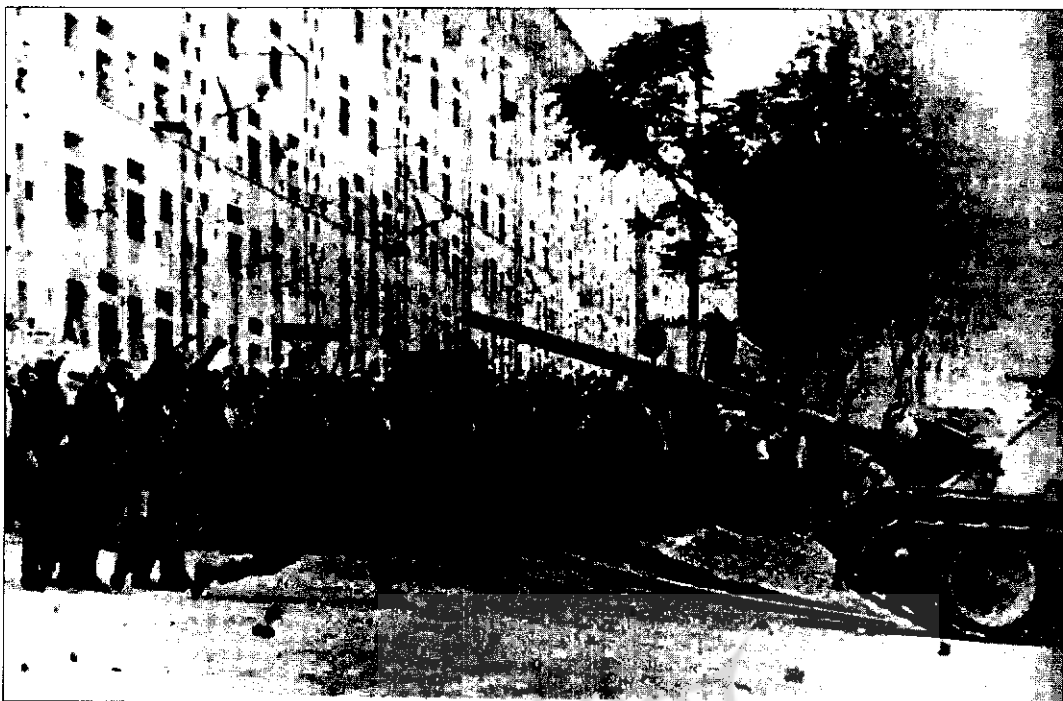


حسین قربان زاده  
علی آشتیانی

# مجموعه

پروژه نگاه علوم انسان و مطالعات فرهنگی  
رساله جامع علوم انسانی





# نبرد زنبیل و بمب افکن

مروری بر فیلم «نبرد الجزیره» (۱۹۶۵)

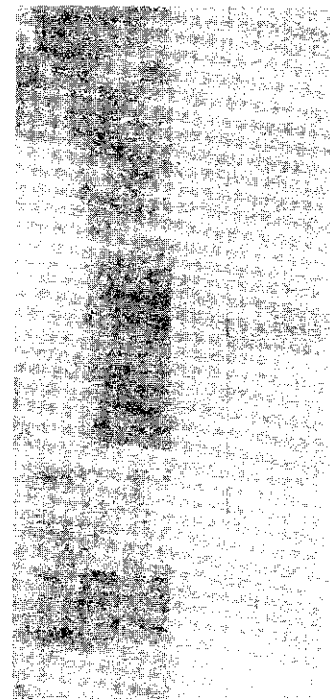


خود باعث شد که او نیز مانند جبهه آزادی بخش الجزایر از نبرد الجزیره سربلند بیرون آید و بسیاری از منتقدان، تکنیک و سبک او را در ساخت این فیلم ستایش کنند. فرم مستندگونه به روایت فیلمهای خبری و بهترین انتخاب در مورد بازیگران، موسیقی متن، کادربندی و... باعث شد تا این فیلم از بعد تکنیکی و هنری نقطه عطفی در تاریخ سینمای جهان تلقی شود. چنان که بعدها بسیاری از فیلمسازان نبرد الجزیره را الگوی کار خویش قرار دادند.

با مرور مراحل ساخت نبرد الجزیره و جریان فیلمسازی آن مقطع شکی باقی نمی ماند که پونته کورو و خلاف جهت آب شنا کرد؛ اما ثابت کرد که انتخاب مضامین جسورانه و ضد استعماری اگر با تکنیک حرفه ای فیلم سازی همراه باشد، مورد استقبال مردم قرار می گیرد و نظر منتقدان را نیز به خود جلب می کند. با پذیرش این نکته یک پرسش اساسی در ذهن شکل می گیرد: چرا تاریخ سینمای جهان تنها شاهد یک نبرد الجزیره بود؟ پرونده ای که پیش رو دارید مجموعه ای از اطلاعات، نقد و مصاحبه در مورد این فیلم است.

سیاه، سفید. یک نبرد تمام عیار، خطوط سیاه و کتراست آن با پیکسلهای سفید و جیلو پونته کورو و فاتح این نبرد است. یک فیلم سیاه و سفید که به موضوع مقاومت مردم الجزایر در برابر نظامیان فرانسوی می پردازد. در سال ۱۹۶۶ فیلم نبرد الجزیره در کشورهای الجزایر، آمریکا و ایتالیا با حذف برخی صحنه های شکنجه مردم الجزایر اکران شد که با استقبال شدید مردم و منتقدان همراه بود و اکنون بعد از گذشت سی و هشت سال سینماهای آمریکای شمالی شاهد نبرد الجزیره بدون سانسور است. باز آفرینی واقع گرایانه عملیات جبهه آزادی بخش الجزایر با استعمارگران فرانسوی باعث شد تا پنتاگون در سال گذشته نسخه کامل فیلم را با توجه به شباهتهای آن با عملیات گروههای مقاومت در عراق، فلسطین و لبنان برای کارکنان خود پخش کند.

پونته کورو نبرد الجزیره را با پشت سر گذاردن سختیهای بسیار، ساخت؛ آن هم در دوره ای که هیچ تهیه کننده ای به تهیه فیلم ضد استعماری به نفع مردم آفریقا حاضر نبود و جریان غالب سینمای جهان، فیلمهای هنری شخصی یا سرگرم کننده بود. جسارت و استقامت این کارگردان همچون بازیگر نقش اول فیلم



ده نکته خواندنی در مورد نبرد الجزیره  
۱) نبرد الجزیره در سال ۱۹۶۵ با هزینه هشتصد هزار دلاری ساخته شد که قسمت اعظم آن را عوامل فیلم تأمین کردند.

۲) فیلم در سال ۱۹۶۶ در جشنواره ونیز جایزه شیر طلایی را به خود اختصاص داد و در کشورهای الجزایر، آمریکا و ایتالیا با موفقیت روبه رو شد و نامزد سه جایزه نیز گ سینمایی شد؛ اما این اکران با سانسور صحنه های شکنجه فیلم همراه بود.

۳) اکران فیلم تا سال ۱۹۷۱ در فرانسه و انگلستان ممنوع شد، سازمان ارتش سری فرانسه (OAS) به شدت با فیلم مخالفت نمود و خانواده های سه مدیر سینما را در صورت اکران به قتل تهدید کرد و در سینماهایی که تصمیم به اکران داشتند، بمب کار گذاشت.

۴) یک باند فاشیستی در سال ۱۹۷۲ به تماشاگرانی که در سینمایی در شهر رم برای دیدن فیلم آمده بودند، حمله نموده و یک نفر از آنان را به شدت مجروح کردند.

۵) نسخه کامل فیلم در سال ۲۰۰۴ در سینماهای آمریکای شمالی به نمایش درآمده است و تا پایان سال ۲۰۰۷ وی.دی. این فیلم نیز به بازار خواهد آمد.

۶) اداره عملیات ویژه پنتاگون در ماه اگوست سال گذشته فیلم را برای کارکنان خود بخش کرد. این تصمیم در راستای آگاهی دقیق تر از نوع عملیات مسلمانان بر ضد اشغالگران، اتخاذ شده است. به گفته مسئولان ارتش پنتاگون این فیلم دارای نکات آموزنده ای برای نظامیان آمریکایی است.

۷) یاسف سعدی، در نقش جعفر، در زندگی واقعی خود نیز ژنرال جبهه آزادی بخش میهنی الجزایر بود. او در دوران مبارزات خود توسط فرانسویان دستگیر و زندانی شد و خاطر آتش را در زندان نوشت که بعدها پوخته کورو و سولیناس برای داستان فیلم از آن استفاده کردند.

۸) بازیگر نقش علی لاپوانته سواد نداشت و تا پیش از انتخاب برای بازی در این نقش هرگز به سینما نرفته بود.

۹) مرد میان سالی که در فیلم شکنجه شده و به لاپوانته، خیانت می کند، موقتاً برای ایفای نقش خود از یکی از زندانیهای الجزیره آزاد شده بود.

۱۰) تنها بازیگر حرفه ای نبرد الجزیره ژان مارتین در نقش سرهنگ ماتیو بود که در دهه ۱۹۵۰ به علت حمایت از مقاومت الجزیره در لیست سیاه هنرپیشگان قرار داشت.



### خلاصه داستان:

در سال ۱۹۵۷ بازجویان نظامی فرانسوی در شهر الجزیره یک میهن پرست الجزایری را شکنجه می دهند و او سرانجام مخفی گاه آخرین رهبر چریکهای الجزایری با نام 'علی لاپوانته' را

فاش می کند. همزمان با تیتراژ آغازین فیلم، نیروهای چتر باز فرانسوی، لاپوانته را همراه با یک زن و کودک در مخفی گاه خود پیدا می کنند و به آنها مهلتی داده می شود که خود را تسلیم کنند، در غیر این صورت کشته خواهند شد. در حالی که لاپوانته به سر نوشت خود می اندیشد، فیلم با یک فلاش بک به سال ۱۹۵۴ و زمان آغاز عملیات نظامی جبهه آزادی بخش میهنی در الجزیره بازمی گردد که این سازمان با صدور اطلاعاتی همه مسلمانان را به اتحاد در مبارزه با اشغالگران برای کسب استقلال دعوت می کند. فیلم با اتخاذ یک فرم نیمه مستند به بازفرینی مراحل اصلی شکل گیری قیام و تحول سیاسی لاپوانته می پردازد.

لاپوانته پس از دیدن مراسم اعدام یک مبارز مقاومت الجزایر با گیوتین، توسط استعمارگران فرانسوی، تصمیم می گیرد به جبهه آزادی بخش میهنی الجزایر بپیوندد. رهبران جبهه که از سابقه دزدیهای او و اینکه ورزشکار رشته مشت زنی بوده، خیر دارند ابتدا شهادت او را با دادن مأموریتهای تروریستی مهیورانه و خونین محک می زنند.

با تشدید تنشها، نیروهای چتر باز برای سرکوب مقاومت، تجهیز و ساماندهی می شوند. سرهنگ ماتیو در شهر الجزیره با برقراری بسته های بازرسی، حملات متعدد و بازداشت های گسترده، حکومت نظامی برپا می کند و مردم الجزیره را به صورت دسته جمعی شکنجه و آزار می دهد؛ از سوی دیگر جبهه آزادی بخش نیز به عملیاتهای تروریستی خود شدت می بخشد. با تشدید درگیری زنان به جبهه آزادی بخش پیوسته و بمبهای را به صورت مخفیانه در مناطق تجمع و سکونت فرانسویان منفجر می کنند.

سرهنگ ماتیو، لایه های مختلف جبهه آزادی بخش را برای نیروهایش تشریح می کند و آنان را مأمور می کند که با زور و شکنجه از اعضای مقاومت، هویت و محل اختفای رهبران بخشهای مختلف جبهه آزادی بخش را به دست آورند.

نظامیان فرانسوی بدین ترتیب سلسله مراتب تشکیلات جبهه آزادی بخش را یکی یکی از بین می برند، تا اینکه به آخرین رهبر قیام الجزایر یعنی علی لاپوانته می رسند. او مرگ را ترجیح می دهد و اگر چه به ظاهر نبرد الجزیره پایان می پذیرد و قیام جبهه آزادی بخش در سال ۱۹۵۷ سرکوب می شود، اما منشأ و آرمان قیام نمی میرد. اعتراض به اشغالگری همچنان ادامه می یابد و قیام الجزایریها ابعاد تازه ای به خود می گیرد و سرانجام به استقلال الجزایر در سال ۱۹۶۲ می انجامد و فرانسه با امضای پیمان اویان (Evian) در نوزدهم مارس این سال قدرت را به جبهه آزادی بخش واگذار می کند و از الجزایر خارج می شوند.



### تظاهرات گسترده

مردم در صحنه پایانی فیلم حیرت انگیز است و چنان شور و حرارتی دارد که تصاویر رایانه ای هرگز قادر به آفریدن آن نیستند.

### واقع نمایی فیلم چنان به

دل می نشیند که تهیه کنندگان ناچار شدند تیتراژ آغاز فیلم توضیح دهند که در تولید آن از تصاویرهای خبری استفاده کرده اند.

### یادیدن فیلم پوخته کورو

به روشی درمی یابیم که اشغال عراق و سایر پروژه های استعمار نو محکوم به شکست است.

روی ژاک ماسو، فرمانده لشکر مخوف چترباز، الگوبرداری شده نماینده سنگدل نظامیان فرانسوی است که آمادگی دارد برای درهم کوبیدن جنبش ملی از هر ابزاری استفاده کند.

در ماه آگوست سال گذشته، «اداره عملیات ویژه و درگیریهای کم‌شدت پنتاگون» تصمیم گرفت فیلم «نبرد الجزیره» را برای کارکنان خود پخش کند. این تصمیم بعد از این گرفته شد که گروههای مقاومت عراق عملیات خود بر ضد نظامیان آمریکایی را تشدید کردند و دونالد رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا، خواستار بالا بردن عملیات اطلاعاتی در عراق و سایر نقاط شد. دیوید ایگناتیوس، نویسنده واشنگتن پست در ادعایی احمقانه گفت که «چنین تصمیمی نشانه امیدبخشی است که ارتش درباره عراق خلاقانه‌تر می‌اندیشد».

نسخه کامل فیلم «نبرد الجزیره» (۱۹۶۵) در سینماهای برگزیده آمریکای شمالی به نمایش درآمده و قرار است تا پایان امسال «دی. وی. دی» این فیلم نیز تهیه و توزیع شود. این فیلم به کارگردانی جیلو پونته کورو و فیلم‌نامه‌ای از فرانکو سولیناس با همکاری پونته کورو که جایزه فیلمهای سیاه و سفید جشنواره ونیز را از آن خود ساخت، اثری ارزنده و یکی از قدرتمندترین فیلمهایی است که در خصوص اشغال استعماری و مقاومت در برابر آن تاکنون ساخته شده است.

فیلم ۱۱۶ دقیقه‌ای پونته کورو و یکی از خونین‌ترین مبارزات ضدامپریالیستی قرن بیستم - انقلاب ۱۹۵۴-۶۲ بر ضد سلطه استعماری در الجزایر که از قدیمی‌ترین و پنهان‌ترین مستعمرات فرانسه بود - را به تصویر می‌کشد.

در طول هشت سال درگیری، ارتش فرانسه و شبه‌نظامیان هم‌پیمانان یک میلیون الجزایری را به قتل رساندند. دولت سوسیالیست گای موله در پاریس، که فرانسوا میران به‌عنوان وزیر کشور در کابینه‌اش خدمت می‌کرد، با تصویب قانون ویژه در فرانسه به نظامیان اختیارات کامل داد. ترور، شکنجه و تجاوز جزء اعمال عادی این ارتش بود. یکی از ژنرال‌های فرانسوی بعدها مغرورانه چنین می‌گفت که «به ما آزادی عمل دادند تا هر کاری را که ضروری بود انجام دهیم».

دهها هزار زن، مرد و کودک بی‌گناه مورد شکنجه واقع شده، بیش از سه‌هزار الجزایری که توسط نیروهای فرانسوی دستگیر شده بودند «ناپدید شدند». فرانسویان با اجرای برنامه «آرام‌سازی»، دو میلیون الجزایری را از خانه‌هایشان آواره کرده، به اردوگاه‌های اجباری محصور در سیم خاردار بردند، و هشت‌هزار روستا را تخریب کردند.

تقریباً دو میلیون نیروی فرانسوی از جمله ژاک شیراک، رئیس‌جمهور کنونی فرانسه، و ژان ماری لوپن، رهبر جبهه نژادپرست ملی، در آن دوران در الجزایر خدمت می‌کردند. لوپن متهم است که زندانیان را در زندان مخوف ویلار سسینی الجزایر در سال ۱۹۵۷ شکنجه می‌کرده است.

هر چند فیلم پونته کورو فقط یکی از زوایای جنگ، نبرد الجزایر از سال ۱۹۵۷-۵۷، را می‌کاود، با این حال فیلم شایان توجهی است. تقریباً بعد از چهار سال از نخستین اکران فیلم، بازتاب گسترده‌ای داشته است؛ زیرا روال عملیاتی استعمارگران عصر کنونی را نشان داده و علل و اسباب یک جنبش انقلابی میهنی را واکاوی می‌کند. در واقع، بگیر و ببندها و بازداشتهای انبوه و شکنجه مردم که در فیلم به نمایش درآمده حملات نظامیان اسرائیلی به فلسطینیان و شیوه‌های نیروهای آمریکایی در عراق و افغانستان را مجسم می‌کند. این امر در تلفیق با تمهیدات سینمایی بدیع و انتخاب استادانه بازیگران و موسیقی متن تأثیرگذار که اینوموریکن و پونته کورو ساخته‌اند، فیلم را از اصالت بی‌مانند و قوام دراماتیک برخوردار می‌کند.

نبرد الجزیره حول محور دو شخصیت می‌گردد: علی لاپوانته، عضو جبهه آزادی‌بخش ملی و نماد مقاومت الجزایر، و سرهنگ ماتيو، فرمانده چتربازان فرانسوی که مأموریت سرکوب مقاومت را به وی محول کرده‌اند.

لاپوانته اهل «کاسباه»، منطقه دو کیلومتر مربعی با جمعیت فقیر و از شخصیتهای کلیدی قیام مسلحانه است. سرهنگ ژان ماتيو که از

در طول هشت سال درگیری ارتش فرانسه و شبه‌نظامیان هم‌پیمانان یک میلیون الجزایری را به قتل رساندند. دولت سوسیالیست گای موله در پاریس، که فرانسوا میران به‌عنوان وزیر کشور در کابینه‌اش خدمت می‌کرد، با تصویب قانون ویژه در فرانسه به نظامیان اختیارات کامل داد. ترور، شکنجه و تجاوز جزء اعمال عادی این ارتش بود. یکی از ژنرال‌های فرانسوی بعدها مغرورانه چنین می‌گفت: «به ما آزادی عمل دادند تا هر کاری را که ضروری بود انجام دهیم».

نبرد الجزیره حول محور دو شخصیت می‌گردد: علی لاپوانته، عضو جبهه آزادی‌بخش ملی و نماد مقاومت الجزایر، و سرهنگ ماتيو، فرمانده چتربازان فرانسوی که مأموریت سرکوب مقاومت را به وی محول کرده‌اند.



هدف اصلی و واقعی نمایش فیلم «نبرد الجزیره» تشویق آنان به شکنجه زندانیان عراقی به شکلی غیرقانونی و آزاردهنده‌تر است.

هر چند فیلم نبرد الجزیره به روشنی از مقاومت حمایت می‌کند، این فیلم یک اثر کاملاً عینی است و سعی نمی‌کند جبهه آزادی‌بخش را مبالغه‌آمیز و خیال‌پردازانه نشان دهد. لذا می‌بینیم که اشاراتی به نقاط ضعف سیاسی و تناقضات این سازمان دارد؛ از جمله تلاش رهبرانش برای ترکیب الفاظ و ادبیات سکولار دست چپی با توسل به احساسات محافظه‌کارانه اسلامی.

در این میان بحث لاپوانته و بن‌مهدی، رهبر جبهه آزادی‌بخش، نیز نکته جالب توجهی است. مهدی به او هشدار می‌دهد که «تروریسم ضامن پیروزی در جنگ و انقلاب نیست و می‌گوید که مبارزه انقلابی دشوار است اما پیروزی از همه سخت‌تر است».

سختیهای واقعی، تازه پس از پیروزی قیام جلوه می‌کند. پونته کورو در نمایش کشتارهای تروریستی فرانسویان توسط جبهه آزادی‌بخش صداقت تام و تمامی دارد؛ اما هرگونه تلاشی برای هم‌وزن دانستن سیاسی و اخلاقی ترورهای خونین مقاومت با اعمال نظامیان فرانسوی را مردود می‌شمارد. او در سال ۱۹۶۶ به روزنامه‌نگاری چنین گفت: «به نظر اصلاً معنا ندارد بگوییم آن طرفیها ده نفر را کشتند، و این طرفیها دو نفر را. مسئله این است که آنها [الجزایریها] در موقعیتی قرار گرفته‌اند که تنها ویژگی‌اش ظلم و ستم است... شما باید قضاوت کنید که چه کسی از بعد تاریخی ظالم و محکوم است و چه کسی در جبهه حق قرار گرفته است».

این رویکرد سیاسی در صحنه‌ای که روزنامه‌نگاران، بن‌مهدی را با سوالات خود به چالش کشیده تا تاکتیکهای جبهه آزادی‌بخش را توجیه کند به خوبی نمایش داده می‌شود. گزارشگری می‌پرسد: آیا

بزدلانه نیست که از زنیلهها و کیفهای دستی زنانه برای حملات تروریستی و انفجار بمب در میان فرانسویان استفاده می‌کنید؟ بن مهدی خیلی خونسرد با اشاره به بمباران هزاران روستای الجزایر توسط بمبهای ناپالم فرانسوی پاسخ می‌دهد: البته، اگر ما هوپیمایهای شما را داشتیم خیلی راحت‌تر بودیم. بمب‌افکنهایتان را به ما بدهید، و زنیلههای ما را بگیرید.

پونته کوروو در ارائه تصویر ماتیو نیز هوشمندانه عمل نموده و از میالغه پرهیز می‌کند. در واقع، این فرمانده چتربازان پخته‌ترین و جاقفاده‌ترین شخصیت فیلم است. او فرد تحصیل کرده‌ای است، آرام حرف می‌زند ولی متقابلاً در دفاع از منافع فرانسه بی‌رحم است.



وی با عباراتی که امروزه واشنگتن برای توجیه "جنگ با تروریسم" از آنها تقلید می‌کند به افسران می‌گوید: "جبهه آزادی‌بخش یک دشمن ناشناس و تشخیص‌ناپذیر است که با هزاران نفری که شبیه او هستند، در آمیخته است." و نتیجه می‌گیرد که چنین اوضاعی اقتضا می‌کند که تمام ملاحظات انسانی در برابر مقاومت آنها تعطیل شود.

ماتیو در پاسخ به گزارشگرانی که روشهای بی‌رحمانه و غیر انسانی او را به چالش کشیده‌اند، می‌گوید: "کلمه شکنجه" در فرامین ما قید نشده... [اما] مسئله این جاست که جبهه آزادی‌بخش خواستار بیرون رفتن ما از الجزایر است و ما چنین تصمیمی نداریم.

علی‌رغم تفاوت دیدگاهها همه شما با ماندن ما موافقت کنید. شورش که آغاز شده بود در هیچ زمینه‌ای با هم اختلاف نظر نداشتیم. همه روزنامه‌ها، حتی چپ‌گراها خواستار سرکوبی شورش بودند... [اما] اکنون سؤالی از شما می‌پرسم: آیا فرانسه باید در الجزایر بماند یا نه؟ چنانچه پاسخ مثبت است، شما باید تمام عواقب ناشی از آن را بپذیرید.

"نبرد الجزیره" این عواقب و پیامدهای اجتناب‌ناپذیر را به تصویر می‌کشد. صحنه‌های شکنجه با مشعل، شوک الکتریکی، و فرو کردن زندانیان در آب تا حد خفگی. اولین باری که فیلم در انگلستان و آمریکا به نمایش درآمد، سانسور شده بود. اما در نسخه مرمت‌شده فیلم تمام این صحنه‌ها اضافه شده است، و مانند تکنیکهای مورد استفاده آمریکاییان در ابوغریب و خلیج گوانتانامو، برای محو کردن فریادهای دردناک قربانیان، موسیقی بلندی بخش می‌شود.

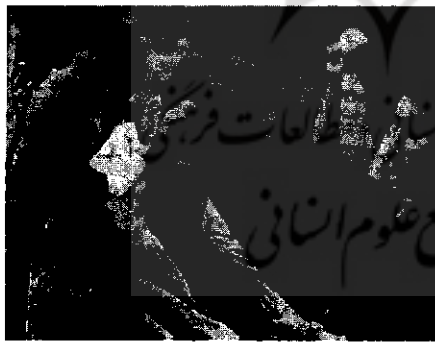
فیلم پونته کوروو از تکنیکهای مبتکرانه‌ای در درام سینمایی در

اواسط دهه ۱۹۶۰ بهره می‌برد و برای نخستین بار نگاهی جدی به مردم شمال آفریقا می‌اندازد؛ بر خلاف فیلمهای گذشته اروپایی و آمریکایی که این مردم را مضحکه یا مظنون می‌نمایاند. فرم نیمه مستند، با روایت به سبک فیلمهای خبری و زیرنویس، دوربینهای خبری شانزده میلیمتری دستی، و استفاده از اعلامیه‌های جبهه آزادی‌بخش و ارتش فرانسه از جمله ابتکاراتی بود که فیلم را بسیار هیجان‌انگیز جلوه داد.

بیننده از دریچه دوربین به کوچه پس کوچه‌های محله فقیرنشین "کاسباه" پای گذاشته، اقدامات سرکوبگرانه و اعمال نژادپرستانه دولت را که با دقت بازآفرینی شده، می‌بیند؛ اقداماتی که نهایتاً شورش را دامن زد. تظاهرات انبوه و گسترده صدها نفر در صحنه پایانی فیلم حیرت‌انگیز است و چنان شور و حرارتی دارد که تصاویر رایانه‌ای هرگز قادر به آفریدن آن نیستند. در واقع، واقع‌نمایی دراماتیک فیلم چنان به دل می‌نشیند که تهیه‌کنندگان ناچار شدند در تیتراژ آغاز فیلم توضیح دهند که در تولید آن از تصویرهای خبری استفاده نکرده‌اند.

پونته کوروو پس از فیلم "نبرد الجزیره" فیلم "بسوزان" (۱۹۶۹) را ساخت. که با بازیگری مارلون براندو به موضوع استعمارگران بریتانیایی و پرتغالی در قرن هجدهم در هند غربی می‌پرداخت. او در سال ۱۹۷۹ با ساختن فیلم "تول" موضوع جنبش جدایی طلب باسک را دستمایه قرار داد. اما هیچ‌یک از اینها به قوت نبرد الجزیره نبود که الهام‌بخش کارگردانی مانند کوستا گاوراس، مارسل اوفولز و بسیاری دیگر شد.

در فیلم نبرد الجزیره نقیصه‌های سیاسی آشکاری نیز به چشم می‌خورد. چنان‌که به گروههای رقیب در جنبش ملی الجزایر هیچ اشاره‌ای نمی‌کند و از نحوه تأثیرگذاری مقاومت سراسری توده‌های الجزایری به طبقه کارگر در فرانسه که به نوبه خود موجی از اعت



صایات و اعتراضات بر ضد دولت شارل دوگل را به راه انداخت، هیچ تصویری نمی‌بینیم. همچنین به رشد مخالفتهای ضد جنگ سربازان عادی فرانسه از درون ارتش بزرگ این کشور که عمدتاً بر اساس نظام وظیفه به خدمت گرفته شده بودند، اشاره‌ای نمی‌شود.

به هر حال فیلم "نبرد الجزیره" تصویری هوشمندانه و نافذ از مبارزات ضد استعماری است و حق مشروع توده‌ها را در کشورهای تحت ستم برای مقاومت با اشغالگران امپریالیست قویاً تأیید می‌کند. با دیدن فیلم پونته کوروو به روشنی درمی‌یابیم که اشغال عراق توسط آمریکا و سایر پروژه‌های استعمار نو یک اتویبای مرتجعانه و محکوم به شکست است و اقدامات سلطه‌جویانه امپریالیستها علی‌رغم بهره‌گیری آنها از سلاحهای پیشرفته هرگز نمی‌تواند آرمان

نبرد الجزیره با بودجه‌ای هشتصد هزار دلار و تنها با نه تکنسین خبره از جمله مارچلو گاتی، تصویربرداری، تولید شد. ژان مارتین (سرهنگ ماتیو) که در دهه ۱۹۵۰ به علت حمایت از مقاومت الجزیره در لیست سیاه هنرپیشگان قرار داشت، تنها بازیگر حرفه‌ای بود و دیگر بازیگران در الجزیره انتخاب شدند.



گزارشگری می‌پرسد: آیا بزدلانه نیست که از زنیلهها و کیفهای دستی زنانه برای حملات تروریستی و انفجار بمب در میان فرانسویان استفاده می‌کنید؟ بن مهدی خیلی خونسرد با اشاره به بمباران هزاران روستای الجزایر توسط بمبهای ناپالم فرانسوی پاسخ می‌دهد: البته، اگر ما هوپیمایهای شما را داشتیم خیلی راحت‌تر بودیم. بمب‌افکنهایتان را بدهید، و زنیلههای ما را بگیرید.